



بسمه تعالی



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

فرصت مطالعاتی در جامعه و صنعت

| | | | |
|--------------------|------------------------------|---------------|---|
| نام عضو هیات علمی: | حامد رهدارپور | واحد عملیاتی: | معاونت دانشجویی دانشگاه لرستان |
| دانشگاه: | دانشگاه لرستان | عنوان دوره: | تحلیل حقوقی مقررات ناظر بر تخلفات دانشجویی، مسائل نظری، مشکلات عملی |
| دانشکده: | دانشکده ادبیات و علوم انسانی | حوزه تخصصی: | حقوق جزا و جرم شناسی |
| مرتبۀ علمی: | استادیار | مدت دوره: | یکسال |
| ایمیل: | rahdarpour@yahoo.com | شماره همراه: | 09169791417 |
| تاریخ شروع: | 1400/04/28 | تاریخ پایان: | 1401/04/28 |

مهمترین خروجی، دستاوردهای حاصله و نتایج مؤثر به دست آمده در دوره فرصت مطالعاتی

ابتدا، مبنای نظری پذیرفته شده در شیوه نامه اخیرالتصویب و تفاوت‌های آن با رویکرد پیشین؛ همچنین، چگونگی تضمین و اجرایی شدن این نگرش واکنشی جدید؛ و سپس، ربط و نسبت مقررات اخیرالتصویب با الزامات حقوقی مربوط به تخلف انگاری، تنبیه گذاری و دادرسی منصفانه، است. علاوه بر اینها، به دلیل اهمیت ویژه واکنشهای غیرسرزندی در تخلفات دانشجویان، جایگاه اقدامات اصلاحی و تربیتی در شیوه نامه و سپس، مهم ترین نقاط قوت و ضعف شیوه نامه از این منظر نیز بررسی شده است.

در حال حاضر، دو مقرره‌ی لازم الاجراء نسبت به تخلفات دانشجویی در ایران، آیین نامه انضباطی دانشجویان مصوب ۱۳۷۴ و شیوه نامه اجرایی آن مصوب ۱۴۰۱ است. آیین نامه مذکور بیش از آنکه متأثر از آموزه‌های نوین حقوق کیفری و جرم شناسی باشد، مبتنی بر اندیشه‌های سزاگرایانه و کنترل کننده است. با این حال، نحوه‌ی اجرای این مقررات در قالب شیوه نامه میتواند به گونه‌ای صورت گیرد که ضمن اعمال تعدیلات اجرایی، الزامات نوین حقوقی و جرم شناسی را نیز تا حدودی تأمین کند. در حالی که شیوه نامه مصوب ۱۳۹۸ تا حدودی این مسیر را با التفات به حقوق دانشجویی و التزام نسبی به اصول حاکم بر دادرسی منصفانه، پیموده بود، شیوه نامه انضباطی جدید مصوب آبان ۱۴۰۱ و ابلاغی در آذر همین سال، در تغییر نگرشی قهقرایی، و اتخاذ سیاست واکنشی مبتنی بر تسامح صفر، با آیین نامه همسو شد. تخلف انگاری‌های جدید قابل انتقاد؛ عدم ارتباط برخی تخلفات با فضای دانشگاهی و وضعیت دانشجویی؛ تشدید تنبیهات در اکثر قریب به اتفاق موارد؛ تحدید تضمینات دادرسی عادلانه و منصفانه؛ کم توجهی

به تدابیر حمایتی و تربیتی؛ و تقدم سرزنش بر اصلاح، از ویژگیهای روشن شیوه‌نامه انضباطی جدید است که بازنگری و اصلاح عاجل آن را اقتضاء میکند.

نوآوری و خلاقیت ارائه شده در جهت پاسخ به نیازهای واحد عملیاتی

در حال حاضر، تخلفات دانشجویی حسب مورد بر اساس مقررات مختلفی قابل بررسی است که مهمترین آنها، آیین‌نامه‌ی انضباطی دانشجویان مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۴ و متعاقباً شیوه‌نامه‌ی اجرایی آن مصوب وزارتین بهداشت درمان و آموزش پزشکی و علوم تحقیقات و فناوری ۱۴۰۱ است. تفاوت زمانی معتابه آیین‌نامه و شیوه‌نامه‌ی اجرایی و تأثیر هر یک از این مقررات، از پارادایم‌های حقوقی متفاوت از یک سو، و الزامات و ملاحظات اجرایی از سوی دیگر، بسیار مناقشه انگیز شده است.

مدل حقوقی پذیرفته شده و حدود هماهنگی پارادایم‌های حاکم، اصول گرفته برداری شده از حقوق کیفری مدرن و حدود سازگاری درونی از مهمترین مسائل نظری بررسی شده است. در مقابل، مشکلات شکلی و اثباتی، عدم هماهنگی موردی سیاست‌های افتراقی اتخاذ شده با ملاحظات اجرایی، ابهام، ابهام، غموض، تعارض و سکوت در مقررات مورد بحث و لزوم نیل به روشی نظام‌مند در تفسیر مقررات برای مجریان، از اساسی‌ترین مشکلات عملی پیش روی اجرای مقررات موصوفاند که در این اثر تدقیق شده اند.

قراردادها، پایان‌نامه‌ها و روش‌های همکاری تعریف شده در دوره فرصت مطالعاتی

به دلیل حدوث نقض غرض در نوشتن طرح فرصت مطالعاتی (بی‌اثر شدن در تبدیل وضعیت استخدامی پس از اتمام طرح!) به جهت تصمیمات خلق‌الساعه دانشگاهی، و تبعاً بی‌انگیزگی ناشی از آن، هیچ اقدامی در این خصوص صورت نگرفت!

با توجه به اینکه با وجود همه تأکیدات قبلی مبنی بر لزوم انجام فرصت مطالعاتی برای تبدیل وضعیت، دقیقاً پس از اتمام کار و تلف شدن بیش از یکسال از عمر اینجانب در این سیستم دانشگاهی، لزوم نوشتن طرح برداشته شد و در فرآیند تبدیل وضعیت بی‌تأثیر گشت، علاوه بر اینکه نوشتن طرح کدایی مانع از اشتغال به انجام مقالات گردیده و بدین ترتیب فرآیند تبدیل وضعیت اینجانب لااقل یکسال به تأخیر افتاد؛ ذیلاً تجارب و پیشنهادهای ("پیشنهادات" غلط است!) خود را مذکور میدارم:

با توجه به اینکه با وجود همه تاکیدات قبلی مبنی بر لزوم انجام فرصت مطالعاتی برای تبدیل وضعیت، دقیقاً پس از اتمام کار و تلف شدن بیش از یکسال از عمر اینجانب در این سیستم آموزشی، لزوم نوشتن طرح برداشته شد و در فرآیند تبدیل وضعیت بی تأثیر گشت، به گونه ای که نوشتن طرح کذایی مانع از اشتغال به انجام مقالات گردیده و بدین ترتیب فرآیند تبدیل وضعیت اینجانب لااقل یکسال به تاخیر افتاد؛ ذیلاً تجارب و پیش‌نهادهای (پیشنهادات غلط است!) خود را مذکور میدارم:

1. لزوم بی‌توجهی و عدم اعتماد به ثبات مقررات و سخت‌گیریهای آموزشی و پژوهشی دانشگاهی و در نتیجه، عدم لزوم اقدام به موقع جهت انجام تکالیف دانشگاهی!
۲. اعتراف مجدد به اینکه، درک و باور غیرحقوق‌خوانده‌ها از ثبات و اهمیت قوانین، دقیق‌تر و مقرون‌به‌واقع‌تر از اینجانب بود!

۱. دست برداشتن از قانون تراشی‌های بی‌مورد؛
۲. التزام به عقل سلیم (common sense)؛
۳. به رسمیت شناختن تخصص عضو هیأت علمی و انتظار فعالیت در همان حوزه؛
۴. و در نهایت، تنزل ندادن جایگاه علم و دانشگاه، از یک نهاد تعیین‌کننده جریان فرهنگی جامعه، به یک مجموعه دنباله‌رو و ابزار دست مدیران و سیاستهای معلول‌الحال ایشان!